

بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه

بهرام سالاری^۱، عباس بابایی خانه سر^۲

^۱ دانش اموزته کارشناسی ارشد گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران شرق، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

عباس بابایی خانه سر

ababaei@qdiau.ac.ir

چکیده

مقررات مربوط به تحت نظر در حقوق فرانسه در مقایسه با حقوق ایران به تفصیل و با دقت لازم تدوین شده و به وضوح می توان گفت که قانون گذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ اهتمام چندانی به وضعیت فرد در این مرحله نداشته و بسیاری از تضمین های لازم را پیش بینی نکرده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نوآوری های ارزشمندی را پایه ریزی کرده و از محاسن آن این است که برای حقوق شخص تحت نظر در نظر گرفته و میان فرد بازداشتی و تحت نظر قائل به تفکیک شده است اما به نظر می رسد تمامی ساز و کارهای قانونی آن گونه که در قانون فرانسه وجود دارد مد نظر نبوده و حتی مطابق برخی نظرات قضایی، تحت نظر به عنوان یک مرحله در فرایند دادرسی کیفری پذیرفته نشده است. در مقابل، مقنن فرانسوی ضمن پذیرش استثنائاتی، از محاسن آن این است که برای شخص تحت نظر، حقوقی در نظر گرفته است. به ویژه قانون مصوب ۱۴ آوریل ۲۰۱۱، تحولی گسترده را در قوانین مربوط به تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ایجاد نموده است. در این قانون سعی بر آن است تا بسیاری از موضوعات مرتبط با حقوق مظنون، متناسب با شرایط جدید بازنگری شده و به خصوص استثنائات متعددی متناسب با شدت جرم ارتكابی یا ضرورت های تحقیق نسبت به مقررات سابق تدوین شود. پژوهش حاضر، از لحاظ نوع، نظری و کاربردی بوده و از نظر روش، تحلیلی - توصیفی می باشد. گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای صورت گرفته که با مطالعه کتاب ها، مقاله ها و بهره گیری از اینترنت و تحلیل و بررسی موضوع، متن نهایی به زیور طبع آراسته گردیده است.

واژگان کلیدی: حقوق متهم، تحقیقات مقدماتی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بازداشت متهم، تحت نظر

مقدمه

تحقیقات مقدماتی، حساس‌ترین مرحله از فرایند کیفری است؛ زیرا اولین مواجهه متهم با دستگاه عدالت کیفری در این مرحله انجام می‌شود و اساس پرونده کیفری در این مرحله شکل می‌گیرد. لذا توجه به اصول دادرسی عادلانه در این مرحله از اهمیت بسیاری برخوردار است. از جمله این که این مرحله باید تحت حاکمیت اصل برائت انجام شود، زیرا در این هنگام هنوز مجرمیت شخص محرز نشده است. همچنین تصمیم «حق آزاد بودن متهم و امکان سلب این حق در موارد استثنایی»، «اطلاع‌رسانی به متهم و خانواده وی»، «اعلام حق سکوت»، «اعلام حق انتخاب وکیل» و «لزوم معقول بود مدت بازداشت موقت» در زمره مهم‌ترین اصول کلی دادرسی عادلانه حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی است. در نظام عدالت کیفری ایران، برخی معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه، نظیر فرض برائت دارای قدمتی طولانی هستند؛ اما برخی دیگر، نظیر لزوم اطلاع‌رسانی به متهم و خانواده وی، اعلام حق سکوت، اعلام حق داشتن وکیل و لزوم معقول بودن مهلت بازداشت چندان مورد توجه مقنن واقع نشده‌اند. یکی از مراحل مهم و اثرگذار در فرایند رسیدگی قضائی، نگهداری مظنونین تحت نظر ضابطین دادگستری است که تقریباً در قوانین شکلی اکثر کشورها، پیش‌بینی شده است. مقنن از گنجانیدن این مرحله در قانون، به دنبال تأمین اهدافی می‌باشد که زمان و مدت آن متفاوت است. اصل برائت حکم می‌کند مادامیکه مجرمیت افراد به موجب حکم دادگاه صالح احراز نگردد، حقوق و آزادیهای شخصی ایشان محفوظ بماند. حقوق دفاعی و نیز حق برخورداری از دادرسی عادلانه به محض دستگیری مظنون در همان بدو امر، جریان افتاده و لازم‌الرعايه می‌شوند. از طرف دیگر به منظور کسب موفقیت بیشتر در کشف جرایم و برخورد با مجرمین، قوانین کشورهای مختلف در جرایم مشهود اختیارات بسیار وسیعی را در مرحله تحقیقات پلیسی برای ضابطین قائل شده تا ضمن جلوگیری از فرار متهم و متواری شدن وی، نهایتاً میزان موفقیت حکومتها را در کاهش سطح وقوع جرایم افزایش دهد. نتیجه آنکه می‌بایست در نحوه تصویب مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی به گونه‌ای اقدام کرد که توازن بین اقدامات پلیسی و حقوق دفاعی مظنونین برقرار شود. نظر به اینکه اقدامات ضابطین در مرحله نگهداری تحت نظر سنگ اول بنای مرحله دادرسی را تشکیل داده و حسب مورد می‌تواند موجبات احقاق و یا تضییع حقوق طرفین پرونده خصوصاً متهم را فراهم آورد، فلذا همین امر مبین آن است که موضوع تحقیق حاضر از اهمیت و ضرورت وافر برخوردار است. باتوجه به مطالب فوق، توجه به رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در حقوق ایران و لحاظ قانون ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ فرانسه می‌تواند به منظور تضمین موقعیت مطلوب شخص تحت نظر (که باتوجه به اصل برائت، همان شخص مظنون می‌باشد) در فرایند کیفری جامعه عمل به خود پیوشد

نگارنده، ضمن انجام این پژوهش، به دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر می‌باشد:

۱. آیا حقوق پیش‌بینی شده شخص (مظنون) تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و حقوق فرانسه، در همه مراحل رسیدگی به رسمیت شناخته شده است؟
 ۲. باتوجه به سوال فوق، تخطی و عدم رعایت حقوق پیش‌بینی شده شخص (مظنون) تحت نظر دارای ضمانت اجرای مطلوب و مؤثر می‌باشند؟
 ۳. آیا در تطبیق و مقایسه، مقررات حمایت از حقوق پیش‌بینی شده شخص (مظنون) در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مطابق با مقررات و اسناد بین‌المللی می‌باشد؟
- با توجه به جنبه‌های مجهول فوق، قصد داریم در این مقاله، به پاسخ این مجهولات بپردازیم.

۱. حقوق متهم در نظام کیفری ایران

حق دفاع از مقدم‌ترین حقوق انسانی است که موجب تضمین حقوق و آزادی‌های فردی است. در واقع شناسایی حق دفاع برای افراد جامعه در مقابل تجاوز به حقوق و آزادیهای فردی ضرورتی غیرقابل انکار است. حفظ نظم و دفاع از حقوق جامعه همه جا، با حمایت از حقوق متهم محدود و متوازن می‌گردد و دفاع از منافع جامعه نباید منجر به نادیده گرفتن حقوق متهمان گردد وقتی فردی متهم به ارتکاب جرمی می‌شود وی در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریمات قرار می‌گیرد. حقوق دفاعی متهم امروزه به عنوان یکی از اصول مهم در محاکمه منصفانه، در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین قوانین و مقررات کشورها مطرح و مورد حمایت واقع می‌گردد و حقوقی از جمله فرض بی‌گناهی (اصل برائت)، حق سکوت، حق داشتن وکیل مدافع، ممنوعیت اقرار اجباری و... برای متهم، در رسیدگی به اتهام وی در یک محاکمه منصفانه تعیین می‌نمایند. به عبارت دیگر حق دادرسی عادلانه تضمینی است در جهت اطمینان بخشیدن به اینکه افراد به صورت غیرقانونی و ناعادلانه مجازات نمی‌شوند و حقوق آنان رعایت می‌گردد. در یک تقسیم‌بندی کلی، مراحل دادرسی به مرحله تحقیقات مقدماتی (کشف، تحقیق و تعقیب)، مرحله محاکمه یا دادرسی و مرحله اجرای حکم تقسیم می‌شود:

۲-۱ - حقوق متهم در مرحله کشف جرم

کشف جرم عبارت است از اقدام‌هایی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتكابی انجام می‌شود. این امر زیر نظر مقام قضایی بر عهده ضابطان دادگستری است. متهم در این مرحله دارای امتیازها و حقوق ذیل است که او را در برابر تعرض پلیس باز می‌دارد:

- احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب؛ اصولاً احضار یا جلب متهم به وسیله احضارنامه یا برگه جلب و به موجب دستور مقام قضایی امکان‌پذیر است. اختیارات پلیس در مرحله کشف جرم با تمیز جرایم مشهود و غیرمشهود متفاوت است. بر اساس ماده ۲۴ ق.ا.د.ع.ا.ک در جرایم مشهود مأموران پلیس حق دخالت داشته و به جهت حفظ آثار جرم و دستگیری متهم اقدام و متهم را ظرف ۲۴ ساعت نزد مقام قضایی حاضر می‌نمایند. (زراعت، ۱۳۸۳، ۶۵)

- منع تعقیب و توقیف خودسرانه؛ پس به همان اندازه که دولت‌ها متعهد به احترام به حقوق و آزادی‌های افرادند، مبارزه با مجرمان برای حفظ نظم جامعه نیز از اهم تکالیف حکومتی به شمار می‌رود. اما در تلفیق بین حرمت اشخاص و نظم جامعه باید توجه داشت که آزادی به عنوان حق طبیعی رایج و متداول است و تعرض به نظم جامعه امری استثنایی به شمار می‌رود که در این صورت تعقیب و دستگیری افراد متعرض باید منطقی، توجیه‌پذیر و بر اساس ضوابط قانونی باشد (هاشمی، ۱۳۸۳، ۸۸) مطابق با صدر اصل سی و دوم قانون اساسی «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند».

شخص توقیف شده با استناد به مواد ۵۷۲ تا ۵۷۵ ق.م. که ضمانت اجرای کیفری توقیف غیرقانونی افراد توسط ضابطان دادگستری یا مأموران نیروی انتظامی است و فرد ممتنع از رسانیدن تظلمات فرد توقیف شده به مقامات ذی‌صلاح می‌باشد، حق شکایت علیه فرد خاطی را دارد.

۲-۴ - حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی

یکی از مراحل مهم و سرنوشت‌ساز دعوی عمومی، مرحله تحقیقات مقدماتی است. علت اهمیت این مرحله این است که از نظر زمانی، معمولاً مدت زیادی از تاریخ وقوع جرم تا انجام تحقیقات نگذشته و دلایل و آثار جرم از بین نرفته است، شهود احتمالی هنوز مشاهدات خود را به خاطر دارند و این احتمال وجود دارد که متهم هنوز متواری نشده یا برای رهایی از مجازات با شرکاء و معاونین خود دست به تباخی نزنده باشد. بدین ترتیب تحقیقاتی که در این هنگام صورت می‌گیرد، تأثیر زیادی در حفظ و جمع‌آوری دلایل و تشکیل پرونده‌ای کامل و آماده برای رسیدگی در دادگاه داشته، اهمیت اقدام به موقع و سریع مرجع تحقیق در این زمینه انکارناپذیر است. اما متهم در این مرحله از حقوقی برخوردار است مانند حق داشتن وکیل. پس باید گفت یکی از اصول راهبردی در آ. د. د. ک حمایت از حقوق افراد است که در آن، حمایت از متهم و حقوق دفاعی وی جایگاه خاصی دارد. متهم که یکی از اصحاب دعوی کیفری می‌باشد نیازمند استفاده از ابزارهای دفاعی در جهت زدودن برچسب اتهام از خود در برابر ادله و مدارک طرفهای دیگر دعوی یعنی دادستان و شاکی می‌باشد. این حقوق باید بنحوی تدوین گردد که حمایت حداکثری را از متهم داشته باشد.

در این مرحله، که بنیان پرونده جزایی را تشکیل می‌دهد، سه گروه از اعمال انجام می‌گیرد:

الف - جمع‌آوری ادله له و علیه متهم.

ب - اقدام‌های لازم برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم از طریق صدور قرار تأمین متناسب.

ج - اظهارنظر درباره جرم ارتكابی در قالب یکی از قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب یا قرار مجرمیت.

البته در این مرحله نیز باید اصول مربوط به احضار یا جلب متهم و غیره که قبلاً آمد به علاوه موارد زیر رعایت گردد:

الف - حق همراهی توسط وکیل دادگستری؛ متهم باید حق داشته باشد که به اتفاق یک وکیل نزد مقام تحقیق‌کننده حاضر شود. تحقیقات باید در حضور وکیل به عمل آید و محرمانه تلقی نشود. در موارد کاملاً استثنایی نیز که بازپرس اخذ پاره‌ای از توضیحات را بدون حضور وکیل ضروری بداند، باید پس از تصویب دادستان اجازه این کار از دادگاه صالح کسب شود. در اولین فرصت مناسب باید این امر بر طرف گردد (شیرازی، ۱۳۷۷، ۸۵)

ب - اعطای فرصت کافی برای دفاع؛ حق دفاع از طبیعی‌ترین حقوق فردی است؛ لذا در طول مدت تحقیقات مقدماتی و دادرسی و قبل از صدور حکم، باید فرصت کافی به متهم جهت تدارک وسایل دفاعی داده شود. در صورتی که متهم بازداشت شود، امکان تهیه اسناد و مدارک و گفتگو با شهود به وی اعطا شود و در دادگاه نیز از فرصت کافی برای رد اتهام‌های وارده استفاده کند و حق پژوهش‌خواهی و فرجام برای وی تضمین شود و بین تاریخ وقوع بزه و محکومیت قطعی بزه‌کار باید فاصله‌ای معقول و مناسب وجود داشته باشد. (همان، ۸۶)

ج - قواعد حاکم بر جمع‌آوری ادله؛ مصونیت زندگی خصوصی متهم از جمله مسائل مهمی است که باید به دقت مورد توجه مقامات قضایی و ضابطان دادگستری قرار گیرد؛ زیرا کوچکترین مسامحه در جمع‌آوری ادله و کشف جرم موجب تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی متهم می‌شود.

شود. امروزه علمی مثل انگشت‌نگاری، اسلحه‌شناسی، تشخیص هویت ژنتیکی و استفاده از کامپیوتر در جهت شناسایی متهم از چنان تحول و پیشرفتی برخوردارند که ضریب اطمینان بالایی را در زمینه کشف دقیق و سریع جرم ایجاد می‌نمایند. باید توجه داشت ضرورت رعایت حقوق دفاعی متهم در مقطع کشف جرم ایجاب می‌نماید که از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک غیراصولی و غیرانسانی استفاده نشود. در واقع مرز استفاده از علوم و فنون جرم‌یابی، حقوق و آزادی‌های متهم است.

۲ ۴ ۱- حق گرفتن وکیل وکیل تسخیری

ماده ۱۲۸ جهت هر چه بهتر دفاع شدن از حقوق متهم به او حق گرفتن وکیل داده است. ماده ۱۸۶ این حق را به متهم می‌دهد که از دادگاه تقاضای وکیل نماید. و در صورتی که دادگاه تشخیص دهد متهم توانایی انتخاب وکیل ندارد، برای او تعیین می‌کند. در این مورد دادگاه حق الزحمه وکیل را تعیین می‌کند و آن را از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت می‌نماید. تبصره ماده مذکور بیان می‌کند که در مواردی که مجازات قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد باشد اگر متهم شخصا وکیل معرفی نکرد تعیین وکیل برای او الزامی است که به این وکیل وکیل تسخیری گفته می‌شود. اصل علنی بودن محاکمات ماده ۱۸۸ اصل علنی بودن محاکمات است مگر در مواردی محدود که علنی بودن محل امنیت باشد یا جلسه دادگاه مربوط به اعمال منافی عفت باشد. در همین ماده حق انتشار خبر جلسه دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی قبل از قطعی شدن حکم منع شده است و برای متخلف تعیین مجازات شده است. پس رسانه‌های گروهی تا زمانی که حکم دادگاه قطعی نشود حق ندارند مراتب را در رسانه‌ها انعکاس دهند. علنی بودن جلسه دادگاه تا جایی محترم است که حتی اگر متهم یا سایر حضار جلسه دادگاه نظم جلسه را مختل نمایند جلسه تبدیل به جلسه غیر علنی نخواهد شد و قاضی مکلف است به گونه مقتضی نظم دادگاه را دوباره برقرار کند. نه اینکه جلسه را غیر علنی اعلام نماید.

آگاهی یابی از محتویات پرونده: ماده ۱۹۰ به متهم یا وکیل او این امکان را می‌دهد که پس از تکمیل تحقیقات و پیش از شروع جلسه محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه کند و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل نماید و با دستیابی به این اطلاعات به گونه‌ای موثرتر بتواند از حقوق خود دفاع کند. صدور رای غیابی و اصل برائت: بر اساس ماده ۲۱۷ آدک در جرایم حق الناسی در صورتی که متهم یا نماینده او در جلسه دادگاه حضور پیدا نکنند و لوایحی نیز تقدیم دادگاه نکنند دادگاه مکلف است که رای غیابی صادر نماید. آنچه از رعایت اصول مربوط به اصل برائت در اینجا دیده می‌شود وجود حق واخواهی برای متهم است یعنی متهم از تاریخ ابلاغ واقعی ده روز فرصت دارد که نسبت به حکم اعتراض کند و پس از انقضای مهلت واخواهی نیز می‌تواند مطابق قانون دادگاه‌های تجدید نظر تقاضای تجدید نظر در رای نماید. علت وضع این قانون و اجازه واخواهی و تجدید نظر به متهم احترام به حق آزادی و برائت کسی است که بنا به هر دلیل در جلسه دادگاه حضور نیافته است. (گلدوزیان، ۱۳۸۸، ۵۸)

بنابراین اصل برائت آزادی متهم را قبل از محاکمه و جمع آوری دلایل عادی وی تضمین می‌نماید و به عنوان یکی از اصول پیشرفته و مهم در دعاوی کیفری شناخته شده است که علاوه بر مقررات بین‌المللی در قوانین کلیه کشورها به ویژه در قوانین اساسی به صورت مختلف پیش‌بینی شده است. لذا باید این اصل به نحوی تضمین شود که جلوی تجاوزات خودسرانه مأموران دولت را بگیرد. هرچند برخی مواقع مصالح و منافع ملی و حفظ ثبات و صلح و آرامش مجوز صدور برخی بازداشت‌هاست، اما باید این موارد به نحو دقیق و کاملی در موارد اضطراری ملی و کوتاه مدت صورت پذیرد. (سرکشیکیان، ۱۳۷۷، ۴۵)

۲ ۴ ۲- حق اطلاع از علت احضار و داشتن فرصت حضور؛

به موجب ماده ۱۱۳ قانون یادشده: «در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود.

تبصره - در جرائمی که مصلحت اقتضاء نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.

البته قانونگذار برحق مذکور به خاطر اهمیت و حساسیت برخی از جرایم استثناء قائل گردیده و در ماده ۱۱۸ قانون مذکور اجازه ی جلب متهم بدون احضار اولیه را تجویز کرده است این ماده مقرر می‌دارد: «قاضی می‌تواند در موارد زیر بدون اینکه بدو احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید:

(الف) در جرائمی که مجازات آنها قصاص، اعدام و قطع عضو می‌باشد.

(ب) متهمی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد».

۲ ۴ ۴ - تفهیم اتهام؛

هر فردی که دستگیر یا بازداشت می شود باید فوراً از دلایلی که موجب محرومیت از آزادی وی شده مطلع شود. هدف اصلی از الزام آگاه کردن این است که فرد بازداشت شده بتواند به اعتبار بازداشت، از لحاظ قانونی اعتراض کند. بنابراین دلایل ارائه شده باید مشخص بوده و شامل توضیح واضحی از اساس قانونی و واقعی بودن دستگیری یا بازداشت باشد. عبارتی حق اطلاع متهم از اتهام وارده آن، احترام به حق دفاع او برقراری موازنه میان او ومدعی به حساب می آید، زیرا جهل و عدم اطلاع متهم از اتهام انتسابی ودلایل آن موجب تضييع حق دفاع و آزادی های فردی او می شود(رجبی، ۱۳۸۵، ۵۴)

از این رو قانونگذار در ماده ی ۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می دارد: «... چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند...»

اعزام سریع متهم نزد مراجع قضایی کافی نیست، بلکه به موجب اصل ۳۲ قانون اساسی باید پس از حضور متهم در نزد قاضی، موضوع اتهام و دلایل آن به وی به صورت صریح و روشن تفهیم شود. چنان چه قاضی رسیدگی کننده ظرف ۲۴ ساعت به متهم تفهیم اتهام نکند، مستنداً به ماده ۱۲۷ق.ا.د.د.ع.واک مرتکب جرم بازداشت غیر قانونی شده است. همچنین در ماده ی ۱۲۹ قانون مذکور مقرر گردیده قاضی: «... موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند آنگاه شروع به تحقیق می نماید...»

۲ ۴ ۴ - حق سکوت (امتناع از پاسخ)؛

متهم باید بداند که می تواند به سؤالات پاسخ نگوید و سکوت او نمی تواند عواقب کیفری داشته باشد. این حق خصوصاً در شرایط فقدان وکیل که متهم ناآشنا با قوانین ممکن است اغفال شود یا دچار توهم و تناقض گویی گردد وسیله دفاع از متهم است. تنها حضور وکیل است که می تواند سخن گفتن را برای متهم موجه سازد. ماده ی ۱۲۹ آئین دادرسی کیفری ایران این حق را به رسمیت شناخته می گوید: «چنانچه متهم از پاسخ دادن امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید شود.» گفتنی است اکثر نظام های دادرسی پذیرفته اند که متهم حق دارد آزادانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند به دیگر سخن قوانین کشورها، نیز مقررات صریحی در این باره پیش بینی کرده اند یا رویه ی قضایی به تدریج چنین حقی را برای متهم تثبیت نموده است(اردیبیای، ۱۳۸۸، ۶۵)

۲ ۴ ۵ - حق برخورداری از وکیل؛

اصل ۳۵ قانون اساسی مقرر می دارد: «در همه ی دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

همچنین ماده ی ۱۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری اصلاحی ۱۳۸۲/۳/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می دارد: «متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد، وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می شود.»

تبصره - در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه ی دادگاه خواهد بود.

ماده واحده مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل مصوب ۱۳۷۰ مقرر می دارد: اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه هایی که به موجب قانون تشکیل می شوند، مکلف به پذیرش وکیل می باشند، ضمانت اجرای این اصل ماده ۵۷۰ مجازات اسلامی است.

۲ ۴ ۶ - ممنوعیت اغفال؛

«مفهوم اغفال این است که مقام تحقیق در ضمن تحقیقات خویش نباید مظنون را فریب دهد و برای مثال به او بگوید اسنادی را در اختیار دارد در حالی که واقعاً چنین اسنادی نداشته است. اقراری که بدین شکل به دست می آید قابل ترتیب اثر نیست... اغفال یا به تله انداختن، یک دفاع قانونی است که به موجب آن فرد مظنونی که به وسیله عوامل اجرای قانون به ارتکاب جرم مجبور شده است آزاد می شود. یکی از روشهای متداول در بازجویی ها، اغفال متهم یا بلوف زدن و فریب برای کسب اقرار است. در ماده ی ۱۲۹ق.ا.د.ک می گوید: «سؤالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است». سؤالات دیکته شده ممنوع و کلی برای به اشتباه انداختن و فریب دادن متهم ویا سؤالات دیکته شده و تلقینی ممنوع است و متهم نباید به هر سوالی که چنین خصوصیتی داشته باشد پاسخ گوید گرچه متهم ناآشنا با قوانین به دام این سؤالات می افتد اما بازجو حق طرح چنین سؤالاتی را ندارد. طبق ماده ی ۱۲۹ ق.ا.د.ک «سؤالات باید مفید و روشن باشد. سؤالات تلقینی یا اغفال و اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»

۲ ۴ ۲ - ممنوعیت شکنجه برای اخذ اقرار؛

در طول تاریخ افرادی بوده‌اند که با اصالت بخشیدن به اجتماع و منفعت جمع و مصالح حکومت، حقوق و آزادی‌های فردی را به دست فراموشی سپرده‌اند. از این رو هنگامی که تعارضی میان منافع دولت از جمله حفظ آن با مصالح انسانی مانند احترام به حقوق و آزادی‌های فردی پیش می‌آید، از انکار این حقوق و فدا کردن آن هیچ ابایی ندارند. شیوه حل این تعارض زمانی نگران‌کننده است که مسأله شکنجه به میان می‌آید. هدف از بازجویی متهم، کشف حقیقت است و نه تحمیل خواسته‌های خودبر متهم، لذا بازجو یا قاضی باید با طرح سؤالات مفید و روشن حقیقت را کشف کند و از توسل به روش‌های خلاف قاعده و قانون در این مورد پرهیز کند. در فقه امامیه و نظرفقها، در شرایط اقرار کننده آمده است که اقرار کننده باید عاقل، قاصد، مختار باشد، بنابراین اقرار مجنون و مکره به واسطه التزام به حدیث رفع فاقد اعتبار شرعی است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۵۴)

به موجب اصل ۳۸ ق.ا.ج.ا. «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است و اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است».

همچنین شیوه‌هایی از قبیل طولانی نمودن امر بازجویی و خسته کردن متهم بدون اینکه بین بازجویی به متهم فرصت تمدد اعصاب و استراحت داده شود، شکنجه روحی است و اقرار حاصله از آن فاقد ارزش قضایی و قانونی است. علاوه بر هر گونه اذیت یا آزار بدنی فرد که اعلاى شکنجه می‌باشد، انجام هر اقدامی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی شود، نیز می‌تواند از مصادیق شکنجه باشد، هم چون نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان و یا بازداشتگاه، بی‌خوابی دادن به زندانی و بازجویی در شب، فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات متهم با وکیل و ممانعت از انجام فرایض مذهبی که تماماً نقض حقوق و آزادی‌های انسانی می‌باشد. تزریق انواع مواد مخدر و خواب‌آور به بدن متهم که موجب می‌شود وی مکنونات قلبی خود را بدون اراده بیان نماید نیز از انواع شکنجه و ممنوع است (سرشار، ۱۳۹۰، ۵۴) اصل ۳۸ ق.ا.ج.ا. این امر را به خوبی مورد التفات قرار داده است. هیچ فرد متهمی به جرم کیفری نباید مجبور به اقرار یا شهادت علیه خود شود و این حق ممنوعیت اقرارهای اجباری در هر دو مرحله قبل و بعد از محاکمه لازم‌الرعایه است.

۲ ۴ ۸ - منع مداخله خودسرانه در مسکن، زندگی خصوصی، مراسلات؛

در قوانین ایران بر ضرورت احترام به حریم خصوصی تأکید شده که از جمله می‌توان به ماده ۵۸۲ ق.م.ا اشاره نمود که بازرسی و نرساندن نامه‌ها و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخبرات، تلگراف و تلکس، سانسور و عدم مخابره آنها و استراق سمع و هر گونه تجسس را ممنوع کرده، مگر آنکه به حکم قانون صورت گیرد.

۲ ۴ ۹ - صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم؛

از جمله مهمترین اقدامات مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی صدور قرار تأمین می‌باشد که در ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک عبارتند: از التزام به حضور با قول شرف؛ التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله؛ اخذ وثیقه؛ بازداشت موقت. قرار بازداشت موقت مهمترین و شدیدترین اقدام تأمینی نسبت به آزادی‌های فردی است که در مدت تحقیقات مقدماتی و گاه تا پایان رسیدگی به شرطی که کمتر از حداقل حبس باشد، ادامه می‌یابد و اقدامی مغایر با اصل برائت است (ماده ۳۴۴ آ.د.ک)، چرا که زندان جایگاه مجرمان محکومیت یافته است. از معایب این قرار تأمین می‌توان به سلب آزادی فرد، ایراد ضرر و زیان مادی و معنوی به متهم، از دست دادن شغل و از هم گسیختگی خانواده وی اشاره نمود. در حقوق ایران بر اساس مواد ۱۳۰ ق.آ.د.ک و ۳۶ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت در صورت تخلف بازپرس از این شرایط وی قابل تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا خواهد بود. با توجه به اهمیت بازداشت موقت که نوعی سلب آزادی است، رعایت شرایطی الزامی است که باید در متن قوانین آیین دادرسی مورد تقنین قرار گیرد که از آن جمله موارد زیر بیان می‌گردد:

در صدور قرار بازداشت موقت باید نظر موافق دادستان کسب گردد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و بازپرس، باید دادگاه صالح حل اختلاف نماید. قرار بازداشت متهم و حق اعتراض به آن باید به وی ابلاغ گردد و دفتر مخصوصی جهت ثبت مشخصات افراد بازداشت شده و تاریخ شروع بازداشت آنان باید در بازداشتگاه موجود باشد. این مدت باید در صورت محکومیت وی به زندان در رابطه با همان جرم در ایام محکومیت احتساب گردد. متهم حق دارد از قرار صادر شده شکایت کند و این حق باید در متن قرار تصریح گردد. هر زمان علت توقیف، زایل شود باید از توقیف رفع اثر گردد. متهم نیز حق دارد از مقام قضایی تقاضا کند تا در صورت رفع علت بازداشت، قرار آزادی او را صادر نماید. اگر بازپرس قرار منع تعقیب صادر نماید یا دادگاه او را تبرئه کند، در ضمن همان قرار یا حکم قرار تأمین الغاء می‌شود. اینکه متهم در بازداشت است، برای تسریع در دادرسی و حفظ حقوق وی باید در کیفرخواست دادستان قید و تصریح گردد.

۲ ۴ ۱۰ لزوم تشکیل پرونده شخصیتی متهم

از جمله وجوه افتراق جرم‌شناسی از حقوق جزا، توجه جرم‌شناسی به علت یا علل ارتكابی جرم و نیز انگیزه مرتکب و شخصیت وی از جهات مختلف است و این در حالی است که حقوق جزا محور اصلی مجرمیت مرتکب را در بررسی عمل مادی ارتكابی و احراز سوءنیت (قصد یا خطای) وی قرار می‌دهد. از سوی دیگر، در حقوق جزا اصولاً انگیزه مرتکب در تحقق جرم نقشی ندارد مگر در موارد استثنایی. بدون تردید در نظام‌های کیفری پیشرفته، عواملی چون انگیزه، شخصیت مجرم، شیوه ارتكاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن در تعیین مجازات مورد توجه قرار می‌گیرد تا ضمن عدالت جزایی بر مبنای فردی کردن مجازات در حدود قانون، حقوق جامعه نیز حفظ شود.

در قانون جدید مجازات اسلامی ضمن ایجاد محدودیت برای قضات در تعیین مجازات سلیقه‌ای و الزام آنان به رعایت قانون در صدور حکم مجازات، توجه به برخی از جنبه‌های جرم‌شناختی به‌منظور عادلانه کردن مجازات‌های تعزیری (با رعایت حقوق فرد و جامعه) مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۸ قانون جدید با تصریح به اینکه اعمال مجازات تعزیری، نوع، مقدار، کیفیت اجرا و دیگر مقررات مربوطه باید «به موجب قانون» باشد در قسمت اخیر ماده مرقوم، به نحو الزامی می‌گوید: «...دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف - انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتكاب جرم.

ب - شیوه ارتكاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن.

ج - اقدامات مرتکب پس از ارتكاب جرم.

ت - سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی.

قاضی جزایی باید با توجه به الزامی بودن بررسی و احراز و تعیین جهات فوق، برای هر متهم «پرونده شخصیتی» تشکیل دهد. از این رو اصلح است در این زمینه شیوه‌نامه‌ای تهیه و به قضات محاکم جزایی ابلاغ شود. (شهرزاد، ۱۳۹۲، ۲۵)

۲ ۴ ۱۱ آخرین دفاع از متهم

از مباحث مورد اختلاف بین حقوقدانان و قضات، حق متهم برای بیان آخرین دفاع و تکلیف یا عدم تکلیف به اخذ آن از سوی قضات می‌باشد. عده ای فقط در مواردی خاص اخذ آخرین دفاع را تکلیف دادگاه دانسته‌اند و حتی به اینکه آیا بیان آخرین دفاع حق متهم است یا خیر، اشاره ای نکرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد که اخذ آخرین دفاع از تکالیف دادرها و دادگاه‌ها (قضات) و بیان آن از حقوق متهم است؛ چرا که وقتی که جرمی به متهم نسبت داده شده و حیثیت اجتماعی او مورد خدشه واقع می‌شود، نظام قضایی کشور بایستی به متهم حساسیت بیشتری از خود نشان دهد و رعایت کلیه حقوق متهم را به موجب قوانین و راهکارهای قضایی سرلوحه تکالیف خود قرار دهد تا حقوق متهم به درستی تامین شود. ضمن آنکه اصل برائت نیز که به نفع متهم است چنین اقتضائاتی دارد. بنابراین یکی از حقوق اساسی متهم، اخذ آخرین دفاع از متهم است که در دو مرحله، تحقیقات مقدماتی و دادرسی بعمل می‌آید. همچنین اخذ آخرین از تکالیف مقام قضایی است و عدم اعمال آن صرف نظر از تخلف انتظامی، از موارد نقض رای است. در آخرین دفاع، متهم اظهاراتی را در خصوص برائت خویش اعلام می‌نماید و چنانچه موثر باشد مقام قضایی مکلف به رسیدگی به آن است. (بند ک ماده ۳ ق.ت.د.ع.ا: ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ک)

۲ ۴ ۱۲ اظهار نظر نهایی

اظهار نظر نهایی که از طریق صدور قرار نهایی صورت می‌گیرد، پایان تحقیقات مقدماتی را نشان می‌دهد و در قالب قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب و قرار مجرمیت تجلی می‌یابد. در راستای حفظ حقوق شاکی خصوصی باید قرارهای موقوفی و منع تعقیب قابل تجدیدنظر باشد که این امر در بند ن ماده سه ق.ت.د.ع.ا به درستی لحاظ شده است. مضافاً اینکه کلیه احکام مزبور باید مستدل و موجه باشند

۲. قواعد ناظر بر مرحله تحت نظر، در فرآیند دادرسی ایران و فرانسه**۳ ۴ ۱ - حقوق شخص تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران****۳ ۴ ۱ ۱ - حق اطلاع از موضوع اتهام**

حق اطلاع از موضوع اتهام به‌عنوان یکی از حقوق اساسی متهم در نظام کیفری ایران از جمله قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است و پلیس را مکلف نموده که در صورت ضرورت تحت نظر قرار دادن متهم باید اتهام وی تفهیم و ابلاغ شود و این امر باید قبل از تحت نظر قرار دادن وی صورت گیرد تا فرد قبل از سلب نوعی آزادی از او در جریان علت تحت نظر قرار گرفتن خود قرار گیرد

۳ ۴ ۱ ۲ - حق اطلاع به نزدیکان

اجازه دادن ضابطین دادگستری به متهم جهت ارتباط و تماس با خانواده و بستگان خویش از حقوق اولیه شخص تحت نظر است که فرد می‌تواند نزدیکان و آشنایان خود را از جریان تحت نظر قراردادن خویش آگاه سازد. اقدامات و تعیین الزامات قانونی جهت مطلع کردن خانواده شخص از تحت نظر بودن وی در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اشاره نشده است و همواره اطلاع دیگری از دستگیری،

تهدیدی برای دادرسی صحیح تلقی شده و متأسفانه قانونگذار ما هم به سختی نهایتاً در سال ۱۳۸۳ با تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، این حق را به رسمیت شناخت. بند «۵» این قانون مقرر می‌دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.» بدیهی است تصدیق حق اطلاع خانواده‌ی دستگیرشدگان از دستگیری مظنون یا متهم، قابل تقدیر و لیکن به شدت ناکافی است.

۳-۱-۴ حق سکوت

حق سکوت، از دیگر حقوق دفاعی شخص تحت نظر، از آثار حاصله از اصل برائت است که متهم باید قبل از تحت نظر قرار گرفتن و یا انجام تحقیقات و بازجویی‌های اولیه از این حق مطلع گردد.

این حق از پربحث‌ترین حقوق دفاعی متهم است. مسئله این است که آیا متهم حق دارد از پاسخ به پرسش‌های مقامات صلاحیتدار از جمله ضابط دادگستری در ضمن بازجویی خودداری کند؟ آیا سکوت به معنی انکار است؟ آیا می‌توان این سکوت را به ضرر متهم تفسیر نمود؟ در حقوق ایران نیز به شرح فوق با عنایت به قسمت اخیر ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است.

«متهم حق سکوت دارد. وادار کردن متهم به پاسخ و یا اینکه چگونه پاسخ بدهد یا ندهد ممنوع و تخلف محسوب می‌شود. تنها کاری که در این بخش می‌توان کرد، فقط ثبت (سکوت متهم) در صورت مجلس می‌باشد.» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۰، ۵۶)، که البته این امر هیچگونه عواقبی برای متهم از دیدگاه مقنن ندارد، هر چند برخی موارد مشاهده می‌شود که از اقدام متهم در، در اختیار کردن (سکوت) بر علیه متهم استفاده می‌شود و این امر خلاف اصول دادرسی منصفانه است زیرا «سکوت بدون همراهی قرینه متناسب، نمی‌تواند کاشف از قصد و رضا باشد، لذا از سکوت هیچ مدلولی را نمی‌توان استنباط کرد و بنابراین نه دلالت بر قبول می‌کند و نه اجازه.»

حق سکوت متهم یکی از ویژگی‌های برجسته قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ است و به موجب این قانون متهم "می‌تواند" صحبت نکند و سکوت اختیار کند و تقاضای حضور وکیلش را داشته باشد. این موضوع برای اولین بار است که در قانون به صراحت آمده است

۳-۱-۴ حق معاینه پزشک

یکی از حقوق دیگر متهم این است که قبل از تحت نظر قرار گرفتن مورد معاینه قرار گیرد تا از ایجاد برخی محدودیت‌ها و مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری شود. اینکه برخورداری از این حق برای متهم تحت نظر در قوانین فعلی مورد اشاره قرار گرفته است یا خیر؟ باید گفت در حال حاضر در قوانین لازم‌الاجرا هیچگونه تصریح روشنی در این باب به جهت ایجاد تکلیف برای ضابطین دادگستری و پلیس وجود ندارد و فقط می‌توان از اصول کلی قانون اساسی این حق را از سوی قانونگذار استخراج کرد، زیرا اصل ۲۹ قانون اساسی نیاز به خدمات بهداشتی و پزشکی به‌عنوان حق همگانی شمرده است و یکی از اقسام جامعه هم متهم تحت نظر است که باید این حق را برای وی ملحوظ داشت و تمام افراد ملت باید

از تأمین اجتماعی که خدمات پزشکی نیز از مصادیق آن است برخوردار باشد لازم به ذکر است حق بر معاینه توسط پزشک در حقوق ایران در صورت نیاز فرد و به صورت اختیاری است.

۳-۱-۵ حق داشتن مترجم

هر شخصی که تحت نظر قرار می‌گیرد و نمی‌تواند به زبانی که مقامات اعم از پلیس، ضابطین دادگستری و قاضی با آن صحبت می‌کنند، تکلم نماید و یا آن را نمی‌فهمد، حق دارد از یاری مترجم در طول مراحل پس از بازداشت به‌صورت مجانی برخوردار گردد و همچنین حق دارد اسناد و مدارک او ترجمه شود. در ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ آمده است: «در صورتی که شاکو و مدعی خصوصی یا متهم یا شهود، فارسی ندانند دادگاه دو نفر را برای ترجمه تعیین می‌کند، مترجم باید مورد وثوق دادگاه باشد و متعهد باشد که همه اظهارات را به‌طور صحیح و بدون تغییر ترجمه نماید.» ماده مذکور به حق داشتن مترجم در دادگاه صراحت دارد ولی زمانی این امر برای دادگاه ضرورت دارد بی‌تردید در مرحله تحقیقات مقدماتی که زیر بنای تشکیل پرونده قضایی برای دادگاه است نیز ضروری است و همچنین ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ بیان می‌دارد: «متهم و مدعی خصوصی می‌توانند مترجم را رد نمایند، ولی رد مترجم باید مدلل باشد، رد یا قبول مترجم به نظر دادگاه است و نظر دادگاه قطعی می‌باشد. موارد رد مترجم همان جهات عدم پذیرش شاهد است.»

۳-۱-۶ حق داشتن وکیل

اصل دادرسی عادلانه و منصفانه حکم می‌کند که شخص تحت نظر از داشتن وکیل بهره‌مند باشد. داشتن وکیل تضمین‌کننده حق دفاع وی محسوب می‌شود.

اصل ۳۵ قانون اساسی این حق را به رسمیت شناخته و مقرر داشته است: «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» این اصل اطلاق دارد و به هیچ تفسیری برای بیان اینکه وکیل در کدام یک از مراحل باید حضور داشته باشد، نیازی نیست.

۳. نتیجه گیری و پیشنهادات

هر چند تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، نظام دادرسی ایران، به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، همسو با نظام های دادرسی تفتیشی بود، ولی با ابداعات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به ویژه در زمینه ارتقای حقوق دفاعی متهم، این امر تغییر یافته است. پیش بینی موازینی مانند مطلع ساختن خویشاوندان، حق معاینه پزشکی و حق مطلع شدن از حقوق دفاعی از مهمترین ابداعات این قانون است. پیش بینی حق سکوت و الزام کارگزاران نظام عدالت کیفری به تفهیم این حق، پیش بینی ضمانت اجرا برای شکنجه روحی، تعیین ترتیبات ثبت و ضبط بازجویی، تاکید مجدد بر ممنوعیت اغفال و فریب و معتبر نشناختن ادله ای که با نقض موازین دادرسی اخذ شده اند، از مهمترین تدابیر است. قانون ۱۴ آوریل ۲۰۱۱، تحولی گسترده را در قوانین مربوط به تحت نظر در آیین آیین دادرسی کیفری فرانسه ایجاد نموده است. در این قانون سعی بر آن است تا بسیاری از موضوعات مرتبط با حقوق مظنون، متناسب با شرایط جدید بازنگری شده و به خصوص استثنائات متعددی، متناسب با شدت جرم ارتكابی یا ضرورت های تحقیق نسبت به مقررات سابق تدوین شود. تصویب قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، نشان از تلاش قانونگذار ایران برای رفع خلاءهای قانونی موجود درباره وضعیت و سرنوشت متهم بازداشتی است. بندهایی از ماده واحده این قانون به موضوع وضعیت شخص تحت نظر می پردازد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، تحولات و ابداعات مهمی را درباره مرحله تحت نظر ایجاد نموده است. چنین به نظر می رسد که قانونگذار در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، این مدت را نه به عنوان یک مرحله دادرسی کیفری، بلکه صرفاً به عنوان دوره زمانی میان دستگیری و معرفی نزد مقام قضایی دانسته و بدین ترتیب تعریف و تبیین حقوق متهم را ضروری ندانسته است و به وضوح می توان گفت، اهتمام چندانی به وضعیت فرد در این مرحله ندارد و بسیاری از تضمین های لازم را پیش بینی نکرده است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به این خلاء پاسخ داده شده و قانونگذار به چاره اندیشی در این خصوص پرداخته و به برخی از حقوق فرد تحت نظر توجه کرده است سعی بر آن شده که مقرراتی مشابه حقوق فرانسه برای شخص تحت نظر پیش بینی شود اما به نظر می رسد تمامی ساز و کارهای قانونی، آنگونه که در قانون فرانسه و حقوق بسیاری از کشورهای دیگر وجود دارد، مدنظر نبوده است. یکی از ابزارهای تأمین کننده حقوق متهم تحت نظر، اتخاذ قانونگذاری جهت برخورد قانونی با نقض کنندگان حقوق متهم می باشد که باید با ظرافت خاص مود توجه قرار گیرد. نکته دیگر اینکه، یکی از عواملی که باعث رعایت هر چه بیشتر حقوق متهم تحت نظر خواهد شد، بررسی قوانین کشورهای مختلف در این زمینه خواهد بود که منجر به پیشرفت این قوانین در عرصه حقوق بشر می شود. با توجه به نتایج حاصل شده طی انجام تحقیق، موضوعات زیر جهت انجام پژوهش های جدید به محققان پیشنهاد می گردد.

۱. بررسی مرحله تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری انگلستان
۲. بررسی نقش آموزش مجریان و مأموران در جهت حفظ حقوق شخص تحت نظر
۳. بررسی ضمانت اجرای کیفری و حقوقی حفظ حقوق شخص تحت نظر

منابع و مراجع

أ. کتاب ها

- [۱] آخوندی، محمود آیین دادرسی کیفری سازمان و صلاحیت مراجع کیفری- چاپ هشتم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد دوم، ۱۳۸۲.
- [۲] بوریگان، ژاک- سیمون، آن ماری، آیین دادرسی کیفری- مترجم؛ عباس تدین- تهران- انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
- [۳] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق- انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- [۴] شاملو احمدی، محمدحسین، دادسرا و تحقیقات مقدماتی- چاپ اول- انتشارات دادیار، ۱۳۸۳.
- [۵] زراعت، عباس- حاجی زاده، حمید- متولی جعفرآبادی، یاسر، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوق کنونی، چاپ سوم، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۸.
- [۶] فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه (محاکمات کیفری بین المللی)- تهران- انتشارات شهردانش، ۱۳۸۷.
- [۷] کشاورز، سیدمحمدعلی، آیین و رویه دادرسی کیفری با قوانین دیوان کیفری- چاپ اول- انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸.

ب. مقالات

- [۱] آشوری، محمد- روح الله، سپهری- بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه- آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (پژوهشها) - پاییز و زمستان ۱۳۹۲- شماره ۶.
- [۲] حسین رضایی، زاگر- نگهداری تحت نظر در قوانین افغانستان و اسناد بین المللی حقوق بشر- ماهنامه تخصصی، حقوقی و فرهنگی عدالت، ۱۳۸۹ (سال دوازدهم)- شماره ۱۳۸۹.
- [۳] مقدسی، محمدباقر- رویکرد تطبیقی به معیارهای ناظر بر بازجویی پلیسی (با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)- فصلنامه کارآگاه-۱۳۹۳ (سال هفتم)- شماره ۲۷- دوره دوم.
- [۴] مؤذن زادگان، حسنعلی- تضمین حقوق متهم- مقاله اینترنتی- www.irannamaye.ir.